

سال رؤیایی طارمی با ۲ گل سر نوشت ساز او برای پور تو در فینال جام حذفی تکمیل شد

پرچم مهدی بالاست

صفحه ۶

وطن امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سردار بهمن کارگر به مناسبت آزادسازی خرمشهر



اعجاز امید



جان باختن و مصدومیت ده‌ها نفر در فاجعه فروریختن برج متروپل آبادان

بساز و بنداز!

استاندار خوزستان: استانداردهای مورد نیاز سازه‌های اسکالاتی داشته است

پیمانکار و مالک ساختمان با دستور قضایی بازداشت شدند

دستور رئیس‌جمهور برای برخورد با مسببان حادثه

زند. از جاهایی که کسی فکر نمی‌کرد پای انسان روی آن بتواند استوار باشد چه پرسد به اینکه آنجا بایستد، به سمت هدفی هدف‌گیری و شلیک کند و آن هدف رازیر فشار بگنارد و کنار بزند اما این بچه‌ها رده شدند و خرمشهر را آزاد کردند. شهری را که فکر می‌کردند باید ۲۵ تا ۲۶ هزار شهید دهیم تا شاید بتوانیم به آن نزدیک شویم، با ۶ هزار شهید آزاد کردیم. البته این تعداد شهید کم نیست، ولی نسبت به آنچه تصور و محاسبه می‌شد، کم است. محاسبه این بود که اگر کمی توان داشتیم می‌توانستیم از خرمشهر رد شویم و دشمن را در وضعیت بدی قرار دهیم که آنجا هم به نظرم یک جاهایی باز ناامیدان وسط آمدند و ما دچار مشکل شدیم. آنهایی که همیشه آیه بهر حال تمام ایام جنگ همین بود. مادر تمام مقاطع می‌گرفتند و توانستیم به برتری کامل برسیم. ۳۰ تا ۳۰ ساله، با امید و دست خالی کجا ایستادیم. ما در طول ۸ سال جنگ، هیچ وقت و در هیچ یک از مقاطع جنگ نتوانستیم به توازن قوا حتی نزدیک شویم اما آن را با پیروزی پشت سر گذاشتیم و دشمن نیست و نابود شد. امروز هم با تمام مشکلاتی که وجود دارد، با امید فراوان باید بایستیم و پیش برویم.

برافراشتن آهن پاره‌های ماشین‌ها هم مانع عزم راستخ و ایمان راهگشای آنان نبود... بهروز گفت: خرمشهر! آغوش بگشا، فرزندان در راهند. آمدند و شهر را در آغوش خود فشردند. و بدن‌های مطهر بردارن‌شان را از کوی و برزن به خاک پاک و خونین شهر سپردند به امانت و به خونخواهی... بهروز می‌گفت وقتی جنازه احمد شوش را دیدم دوست داشتم یک بنده خدایی سیلی در گوش من بزند که به این بهانه گریه کنم. دست به قلم برد و رنگ پاشید به دیوار شهر که: «کوچه‌های این شهر به خون مطهر است، با وضو وارد شوید»، و باز نوشت: «به خرمشهر خوش آمدید، جمعیت ۲۶ میلیون نفر». و باز گفت و گفت و باز ماند و ماند تا لحظه شهادت... ادامه در صفحه ۸

کسی فکر نمی‌کرد بتوان خرمشهر را پس گرفت. وضعیت خرمشهر بسیار خاص بود. کارشناسان نظامی مطرح دنیا می‌آمدند از مناطق اشغال شده بازدید می‌کردند و به عراق اطمینان خاطر می‌دادند و این بازدیدها رسانه‌ای می‌شد که این شهر تبدیل به یک دژ غیرقابل نفوذ شده و موانع طبیعی و مصنوعی هیچ منفذی را برای ورود باقی نگذاشته است. بارها این موضوع در رسانه‌های مختلف تکرار می‌شد؛ این مسائل ناامیدی می‌آورد. نیروهای کلاسیک مسلح ما - اشاره به نیروی خاصی ندارم - تمام توان مسلح سنتی ما می‌گفت امکان نفوذ وجود ندارد. ما هر تعداد تاک و هواپیما و نیروی انسانی که داریم، طرف مقابل چند برابر ما دارد. وضعیت ما در زمین اینطور است که آنها در خوزستان مستقر شدند و دارند استحکامات روی استحکامات می‌سازند و ما تازه بعد از سقوط بنی‌صدر ۲-۳ ماه است داریم خودمان را جمع می‌کنیم. این موضوعها و مسائل ناامیدکننده است و باید تا حدی حق داد. نامیدها حرف اشتباهی نمی‌زدند، منتها امید حقیقی محصول ایمانی است که از انکا و توکل به پروردگار متولد می‌شود. اطمینان و یقین به اینکه شما می‌توانید مشکل را پشت سر بگذارید - که این شاخه‌ای از ایمان است - هر جا باشد از آن امید بیرون می‌آید. این بچه‌ها با راهکارهای خلاقانه این استحکامات را دور

آیه یأس خوان‌ها مانع پیشرفت بودند

به ۵ کیلومتری مرکز استان خوزستان رسیده بودند که بین ۷۰ تا ۸۰ درصد در آمد ناخالص کشور از آنجا تأمین می‌شد و هیچ کسی تا روز ۷ و ۸ جنگ نتوانست مقاومت مردم به جنگ مشغول بود. این در حالی است که ما باید برخلاف آنچه گفته می‌شود و به نظرم تبلیغات حقیقی نیست، بخش اعظمی از بودجه کشور در زمان جنگ را صرف معیشت مردم می‌کردیم. من نمی‌گویم خوب یا بد است، می‌گویم آنچه گفته می‌شود بالعکس است و نمی‌پذیرم. با توجه به اسنادی که دستم بود، جمع‌بندی من این است که این ادعا که درصد کمی از بودجه کشور صرف معیشت مردم می‌شد درست نیست. یک بخش زیادی از بودجه کشور از ابتدا باید برای معیشت مردم کنار گذاشته می‌شد و در نهایت هر چه در ظرف می‌ماند، هزینه جنگ می‌شد.

خرمشهر، شهری برای تمام فصول

نمایشید دوباره فتحش می‌کنیم، مواظب باشید ایمان‌تان سقوط نکند». و خدا می‌داند برای گفتن این جملات چه جانی از تن او رفت... ۴۵ روز مدام جنگیدند، تن در برابر تانک و ایمان در برابر تکنولوژی. روزی که فریادها را از باطن عالم برای املش پخش کردند، آن روز حتما فریادها و غریو ایمان و توحید را از این شهر هم در مدرسه خدا تدریس خواهند کرد. خلاصه! سرگه چهارم آبان نیمی از شهر جان داد و از تیش ایستاد و از دست بچه‌ها خارج شد. با اشک و آه و حسرت هر کسی دل به موج‌های خروشان و ملتهب رود بست و به نخل‌ها و گل‌های کاغذی آن طرف شهر پناه برد و در کمین نشست. هر کدام از آن بچه‌ها عکس کوچه‌های شهر را به دیوار

عراق غیر از حمایت‌های دیپلماتیک و مالی بود. متحدهای عراق، نان شب مردم عراق را هم تأمین می‌کردند و رژیم بعث با خیال راحت از وضعیت معیشت مردم به جنگ مشغول بود. این در حالی است که ما باید برخلاف آنچه گفته می‌شود و به نظرم تبلیغات حقیقی نیست، بخش اعظمی از بودجه کشور در زمان جنگ را صرف معیشت مردم می‌کردیم. من نمی‌گویم خوب یا بد است، می‌گویم آنچه گفته می‌شود بالعکس است و نمی‌پذیرم. با توجه به اسنادی که دستم بود، جمع‌بندی من این است که این ادعا که درصد کمی از بودجه کشور صرف معیشت مردم می‌شد درست نیست. یک بخش زیادی از بودجه کشور از ابتدا باید برای معیشت مردم کنار گذاشته می‌شد و در نهایت هر چه در ظرف می‌ماند، هزینه جنگ می‌شد.

آیه یأس خوان‌ها مانع پیشرفت بودند

عراق غیر از حمایت‌های دیپلماتیک و مالی بود. متحدهای عراق، نان شب مردم عراق را هم تأمین می‌کردند و رژیم بعث با خیال راحت از وضعیت معیشت مردم به جنگ مشغول بود. این در حالی است که ما باید برخلاف آنچه گفته می‌شود و به نظرم تبلیغات حقیقی نیست، بخش اعظمی از بودجه کشور در زمان جنگ را صرف معیشت مردم می‌کردیم. من نمی‌گویم خوب یا بد است، می‌گویم آنچه گفته می‌شود بالعکس است و نمی‌پذیرم. با توجه به اسنادی که دستم بود، جمع‌بندی من این است که این ادعا که درصد کمی از بودجه کشور صرف معیشت مردم می‌شد درست نیست. یک بخش زیادی از بودجه کشور از ابتدا باید برای معیشت مردم کنار گذاشته می‌شد و در نهایت هر چه در ظرف می‌ماند، هزینه جنگ می‌شد.

محمدرضا صدقی: در سال‌های دفاع مقدس باید به ۳ مقطع ابتدای جنگ، عملیات‌های آزادسازی با پایمان عملیات بیت‌المقدس و مقطع سوم که پایان جنگ است، توجه کرد. ما در هر ۳ مقطع هیچ زمانی در وضعیت برابر با متجاوزان نبودیم. همیشه آنها حداقل نسبت ۳ به یک با ما داشتند و در برخی مقاطع هم ۵ به یک بودیم؛ در نیروی هوایی که این نسبت بیش از این حرف‌ها بود. بدون تعارف همه دنیا پشت سر آنها بود؛ این عبارت را آنقدر به کار بردیم که حالت شعاری پیدا کرده است اما حقیقتا همه دنیا پشتیبان و حامی آنها بود. حداقل اینگونه بود که بعضی‌ها هیچ لیست خریدی (غیر از تسلیحات مستقیم هسته‌ای) نداشتند که به هر جای دنیا ارائه بدهند و آن لیست خرید برای‌شان آماده نشود، آن هم با پرداخت‌های عجیب و غریب. یعنی پولش از خودشان نمی‌دادند و کشورهای عربی به جای آنها پرداخت می‌کردند؛ یا اقساط غیرقابل باور بسته می‌شد یا بلاعوض داده می‌شد. در مقابل ما تقریباً هیچ لیستی از تسلیحات نداشتیم که در آن دچار مشکل نباشیم؛ از فشنگ معمولی گرفته تا خمپاره‌های عادی و گلوله‌های توپ. سلاح‌ها از یک سطحی که بالاتر می‌رفت، اصلاً امکان خرید آنها را نداشتیم. این حداقل حمایت‌ها از دولت بعث

یادداشت

کدام استعاره، کدام جمله، کدام عکس یا شما سخن خواهید گفت؟ بنامدهام روضه بخوانم اما چند کلامی با «خراب‌آباد» واژه‌ها مرا همراهی کنید. روزی روزگاری شهری بود با خاکی به رنگ خون، آسمانی به رنگ دل، رودی به رنگ دریا و مردمی از جنس آبگینه که دانه‌های دل‌شان پیدا بود. فکر می‌کنم در تقدیر ازلی این سرزمین وقتی داشتند رنگ خاکش را می‌سرشتند، نوشتند: «همسایه دیوار به دیوار کرپلا». اما بعد! آن روز که ما را در دوراهی ذلت و آزادیگی به انتخاب واداشتند، همین رنگ سرخ خاک بود که پرچم برافراشت که «هیفات از دلتی که ما را از همنشین با حسین بن علی دور کند». اینچنین شد که در تاریخ هزار و ۳۰۰ و چند سال بعد از عاشورا، وقتی جهان در

تیتراژ امروز

سفر مهم رئیسی به مسقط
امضای ۱۲ سند همکاری میان ایران و عمان

سنگ تمام عمان برای رئیسی

مسئولان از بررسی ابعاد ترور و حتمی بودن انتقام خون شهید «حسن صیادخدا» می‌گویند

در دست اقدام

به بهانه اکران فیلم «هناس» که ترور شهید رضایی‌نژاد را محور قرار داده است

کوتاهی در روایت مظلومیت‌ها

دستور مهم رئیس قوه قضائیه برای پیگیری خلف‌وعده خودروسازان

هشدار از‌های به خودروسازان

در جلسه نهفت احیای واحدهای تولیدی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تأکید شد

احیای تولیدی‌های تعطیل در اولویت

نگاه

تندروی‌های بایدن چه بلایی بر سر امنیت جهانی می‌آورد؟

نمانه‌اگون: دونالد ترامپ در زمان ریاست‌جمهوری جمله جالبی را بیان کرده بود که این روزها بیشتر از هر زمان دیگری برای افکار عمومی در سراسر دنیا تکرار می‌شود: «یک رئیس‌جمهور دموکرات در آمریکا مثال بزیند که جنگی بزرگ به راه نینداخته باشد!» اگر چه ترامپ نیز به گفته شاهدان و مسئولان دولتش، بارها نزدیک بوده است جنگی بزرگ در منطقه راه اندازد یا دستور قتل و کشتار و ترور می‌دهد است اما رفتار بایدن در مقابل روسیه و در عین حال علاقه‌او به لشکر کشی دوباره آمریکا به سومالی یا افغانستان و عراق، همه نشان می‌دهد بایدن همانند رؤسای جمهوری قبلی آمریکا در گروه دموکرات‌ها باشد به دنبال به راه انداختن جنگی جدید در دنیا و ارسال نیروهای نظامی آمریکا به مناطق مختلف است. شاهد جدید این ادعا، صحبت‌های او در سفرش به کره جنوبی و ژاپن است. او از یک سو در نخستین سفر خود به منطقه شرق آسیا، برای چین در مساله تایوان خط و نشان می‌کشد و می‌گوید کار ممکن است به جنگ بین نیروهای نظامی آمریکا و چین بکشد و از طرف دیگر برای اینکه اعلام کند ایالات متحده در بحبوحه این بحران‌های بین‌المللی، همچنان مساله کره شمالی را از یاد نبرده، تهدید می‌کند آمریکا برای دفاع از سئول، ممکن است وارد جنگ اتمی با پیونگ یانگ شود. او البته بارها در این سفر تلاش کرده نشان دهد سعی ندارد مانند رؤسای جمهوری دموکرات قبلی آمریکا مساله کره شمالی را نادیده بگیرد و به همین دلیل در پیامی به کیم جونگ اون، به او و کشورش «سلام» کرده تا نشان دهد همچنان کره شمالی را در محور سیاست‌هایش دارد! اگر چه ممکن است سرش به مساله لوکراین یا چین گرم باشد!

نوع رفتار بایدن در سفر به کره جنوبی و ژاپن بسدت فاتحانه است. او با تصویب بودجه ۴۰ میلیارد دلاری جهت کمک به اوکراین در جنگ مقابل روسیه، حسن می‌کند پیروز میدان در برابر پوتین بوده و توانسته نقشه‌های روسیه برای «خلع سلاح و غیرنظامی کردن اوکراین» را نقش بر آب کند. بایدن بعد از تأکید بر پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو، معتقد است می‌تواند آمریکا و اوکراین را پیروز نبرد روسیه با همسایگانش اعلام کند و به همین دلیل در نقش یک فاتح و کسی که می‌تواند معادلات جهانی را تغییر دهد، راهی شرق آسیا شده است. با این حال در شرق آسیا نیز بایدن کاری جز تهدید چین و کره شمالی نداشت و نشان داده همچنان مانند رؤسای جمهوری قبلی آمریکا، جنگ و لشکر کشی را نخستین و آخرین گزینه آمریکا برای تأمین منافع ملی‌اش در دنیا می‌داند.

ادامه در صفحه ۶